

قیام نہضتِ علویانِ بنگورس

تاریخ تحلیلی حقیقی



محمد علی سلطانی

دہراستہ ترجمہ و تفسیح

گوران، دالاهو تشکیل حکومت سیاسی مذهبی محلی می دهند، و بعید نیست قمام الدین که به صراحت سند و عبارات اصطلاحی یارسان سرسپرده بوده است به مناسبت دفاع و یا جرم مبارزه بر سر پلنگان و درگیری با عثمانیان اسیر زندان آل عثمان در بغداد گردیده باشد تاریخ تنظیم سند ۹۹۳ هـ ق است.

سلطان سید احمد علوی (بابا یادگار) در اسناد تاریخی و اشعار بزرگان علم و ادب

سواد قبالة ملك  مال انزله جهت حضرت مقدس القاب پیشوای دوران و عارف زمان و عصر، سلاله دودمان و خاندان سلطان شیخ (یادگار) اما بعد باعث و غرض اصلی و مطلب کلی از تحریر این سطور خالی از قصور واضح و لایح به ذکر و بیان آنکه در محکمه شرع شریف انور حاضر شد، رفعت و متعالی پناه عزت و مکرمت دستگاه قمام الدین ولد مرحوم عثمان کرد ساکن ذهاب؛ از روی رضا و رغبت و اختیار خود اشهد من رضا بیع کرد آنچه علی الظاهر ملک موروثی پدران را بوده و صحیح عبارت است از همگی و تمامی و جملگی مبذر پنج دانگ آب و زمین ملک مزرعه معلومه مشهوره انزله من مزرعات قلعه شاهین دایراً معلوم - ارضی و سمائی و تلال و جبال و آبی و دیمی و دهکده و دهنه و دایره و بایره و نهر و طاحونه و کلّ مایتعلق بها شرعاً داخل، - و خارجاً اراضی و هارچین معالف و علوفات و ساب و جمیع آنچه تابع ملک مزرعه مزبور می باشد و خواهد شد از هر جهت با حدود اربعه: اولاً سراب انزله، ثانیاً ملک قلعه شاهین، ثالثاً رودخانه و رابعاً کلیه زرگران و دگان داود و غیرذلک، ذکر اولم یذکر فیه و لم یدخل بأی اسم و رسم به ثمن و مبلغ پنجاه من گندم و دوشاهی پول، صیغه صلح صریح شرعی مبین جاری شد و نظر به اینکه رفعت و معالی پناه، عزت و مکرمت دستگاه، قمام الدین در بغداد در زنجیرخانه بند بود و موعده دو سال وزیر

بغداد او را بند کرده بود و او را مرخص نمی‌شد و اهل بغداد از بزرگ و کوچک علاوه بر خسرات زیاد [هرچند کوشیدند] آخر بجایی نرسید، در فکر بود که چون شود عاقبت کار و درین دو سال شب و روز درین فکر بود تا عاقبت نظر کرد که پناه به کی برد و خود او مادری داشت و مادر قمام‌الدین به فرزند گفت: (التجاء را به آقای شیخ زمان جناب مقدّس القاب، شیخ یادگار که نبیرهٔ اولاد علی ابوطالب می‌باشد؛ پیر و بگو: مگر از آنجا چارهٔ برای تو باشد). قمام‌الدین چون اسم حضرت امیرالمؤمنین علی مرتضی شنید بسیار گریه کرد و گفت با خود، که ای دل علی مشکل گشا بوده؛ این یادگار اولاد علیست. البته پناه به اولاد علی بری خلاص خواهی شد از زنجیر و بند. و شب قمام‌الدین نیت خود را خالص کرد و روی خود را به شیخ یادگار کرد و گفت: ای شیخ بحقِّ مُحَمَّد و علی و فاطمه و حسن و حسین و بحقِّ جدِّ و آباء خود قسم که بنده را از این بند رها ده و گریه و زاری بسیار کرد و خواب او را بر بود. در خواب دید کسی گفت: (ای قمام‌الدین ترا نجات دادیم و خلاص شدی از بند). قمام‌الدین گفت: (عرض کردم فدای تو شوم چه کسی تو؟) فرمود: **من شیخ یادگار منزلم در سرای زردهٔ یزدجردی می‌باشد.** و صبح که شد شاهومن وزیر بغداد؛ مرا از بند و زندان خلاص کرد و مرا خلعت داد و روانه نمود و شاهومن نقل کرد؛ که هرگاه ترا مرخص نمی‌کردم هلاک می‌شدم، ازیرا شب شیخ یادگار عصای خود را به گلوی من نهاده و فرمود: (ای شاهومن! قمام‌الدین را مرخص کن والا هلاک خواهی شد). ازین جهت ترا خلاص کردم. و بنده از بغداد بیرون آمدم و روانهٔ پابوس شیخ شدم و این پنج دانگ ملک و زمین و سراب انزله را به پنجاه من گندم و دوشاهی پول نقد اصلح کردم [صیغه جاری شد و به وفا رسید؛ ملک خود را وقف شیخ یادگار کردم به رضا و رغبت خود، و دیگری را نرسد که بعدالایام من ایام از هر جهت ادعای ملک بکنند، نه بنده خود، نه وارث را. سراب و زمین ملک انزله حق و مال محض و مخص خاص خالص جناب مقدّس القاب، پیشوای دوران

و عارف زمان و عصر، سلاله دودمان، مصطفی و خاندان مرتضی علیه السلام، شیخ زاده، شیخ یادگار می باشد. مزرعه معلومه مشهوره انزله را هرکس طمع کند به غضب الهی گرفتار شود و هرکس که تصرف کند، ملک انزله را به لعنت خدا و رسول خدا و علی و اولادش گرفتار شود. وقف شیخ یادگار شد و کان ذلک بتاریخ ششم رجب المرجب سنه ۹۹۳. الملک لله الحق المبین...

احمد کمترین بابا شیخ یادگار.

و قوعاً لدی کمترین عبده نظر علی باباشیخ. / (مهر لایقراً) اعترف بمالدى توکلت علی الله عبده براتعلی. / فقی عثمان حضور بود. / فقی عمر حاضر بود. / اعترف بمالدى شیخ شریف، لطف الله (مهر لایقراً). / شهود عبده محمد الوند. / کمترین حضور بودیم عبده تقی بن خلیل. / عبده حاجی. (مهر لایقراً). / قدوقع المضمون المسطور بما رقم فيه سيد آل محمد، جعفر. / اعترف بمالدى الملك لله الحق المبین جلیل الحسینی. / قدوقع المضمون المسطور بما رقم فيه عبده ابوالفضل الحسینی. / وقف قد وقع لمضمون المسطور بما رقم اشهده من رضا قمام الدین؛ افوض امری الى الله.

[سواد مطابق اصل است. مهر و امضاء کابینه مالیه کرمانشاهان، ۲۱

اردیبهشت ۱۳۱۵ شمسی.]

چنانکه گفتیم؛ در همین ایام است که حمله به اورامان در حکومت هلوخان توسط فرزندش خان احمدخان انجام می گیرد ← [محمدعلی سلطانی ایلات و طوایف کرمانشاهان ج ۱/۲، ص ۳۲-۳۱] و با نقشه نظامی و ترفند به تصرف آنجا نیز نائل می آید که شعر معروف را به همین جهت در تاریخ اورامان نوشته اند که؛

نه بگه مامو، نه تیمور لنگ هیچکام هورامان نگرتن و جنگ
غیر از خان احمد بگلر خانان اویچ و دهوگرتن هورامان
این سند معتبر و گویا علاوه بر بیان اعتبار دینی سلطان سیداحمد علوی
(بابا یادگار) نمایانگر تغییر و محدودیت قلمرو زیستی علویان تندرو = اهل